

جلوه‌های تأثیر قرآن و حدیث در شعر معاصر ایران

رضا چهرقانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

chehreghani@hum.ikiu.ac.ir

محبوبه ذوالقدر

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

nasri_e2006@yahoo.com

چکیده

قرآن و حدیث در طول بیش از هزار سال تاریخ ادبیات فارسی یکی از آبخورهای اصلی شعر فارسی بوده است. شاعران عموماً مسلمان پارسی‌گوی مضامین و مفاهیم قرآن کریم و احادیث معصومین را در اشعار خویش به انحاء گوناگون به کار برده‌اند و حوزه‌ی تأثیر و نفوذ تا آنجا بوده که در میان شگردهای شاعرانه و آرایه‌های بلاغی اصطلاحاتی چون حل و درج و تضمین و ... برای اقسام این اثرپذیری وضع شده است. حضور و تأثیر مفاهیم حدیثی و قرآنی نه تنها در شعر کلاسیک فارسی و در سروده‌های شاعران کاملاً مذهبی و بعضاً اهل عرفان و تصوف دیده می‌شود بلکه دامنه‌ی این حضور به شعر معاصر و شاعران بعضاً سکولار نیز کشیده شده و در سروده‌های ایشان نیز بازتاب یافته است. بر این اساس پژوهش پیش رو کوشیده است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی که بر مبنای داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است جلوه‌های گوناگون اثرپذیری شعر معاصر فارسی اعم از شعر کلاسیک؛ نوکلاسیک؛ نیمایی، سپید و ... را کشف، استخراج، پیکربندی و تحلیل نماید. دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که این اثرپذیری که در شعر معاصر پیش از انقلاب نیز دیده می‌شود، در شعر شاعران پس از انقلاب بازتاب بیشتری یافته و در اشکالی؛ همچون اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی-بنیادی، برآیندسازی، تلمیحی، تطبیقی، تصویری، ساختاری-سبکی و نظایر آن دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن و حدیث، تلمیح، شعر معاصر فارسی.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

مقدمه

در خصوص ارتباط دین و ادبیات نظریات گوناگونی مطرح شده که اغلب در تعارض با یکدیگر هستند. (رک ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۹۹ و ۱۰۰) بسیاری از نظریه‌های رایج ادبی می‌کوشند تا ساحت ادبیات را از همه مسائل بیرونی؛ از جمله عقاید سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ... دور نگه دارند؛ اما این خواسته عملاً محقق نشده و بسیاری از آثار برجسته ادبی با الهام یا تحت تأثیر نصوص دینی خلق شده یا به نوعی بدان‌ها اشارت دارند: خواه به صراحت، مانند کمندی الهی دانت، مثنوی مولوی و اشعار قدیس جان صلیبی و خواه به صورت غیر مستقیم؛ مانند اشعار هولدرلین و حافظ. (چهرقانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶) افزون بر این از آنجا که ادبیات و خصوصاً شعر زبان عاطفه و احساس و نیز نمایشگاه آرزو و خواست شاعر و محل بروز موضع‌گیری‌های وی در خصوص مسائل گوناگون زندگی است با افکار و عقاید شاعر پیوندی عمیق دارد؛ به همین دلیل جدا کردن ادبیات از عقاید دینی شاعر و نویسنده چه با رویکرد نفی و چه با رویکرد اثبات به معنی دوپاره کردن شخصیت او و در عمل غیر ممکن است. (همان: ۱۲۷) عبدالله نعمه در باب ارتباط عقیده و ادبیات می‌نویسد: «العقیده من حیث هی العقیده مصدر اکثر المیول و الإتجاهات تعمل خلقها و بعثها أكثر من أي شیء و من الواضح ان يتلون الأدب عندئذ بلون تلك العقیده و من هنا الأدب لا ينفصل عن ألوانه العقائديه» (نعمه، ۱۹۸۰: ۱۰) لذا عقیده از آن رو که عقیده است سرچشمه بیشتر آمال و آرزوها و رویکردهای آدمی است و بیش از هر عامل دیگری در ایجاد و انگیزش امیال و احساسات انسانی مؤثر است و بدیهی است در این صورت، ادبیات به رنگ احساسات منبعث از آن عقیده در می‌آید و از این روست که ادبیات هیچ‌گاه از رنگ‌های اعتقادی عاری نخواهد بود. در خصوص

ارتباط اسلام و ادبیات نیز باید گفت که اسلام به عنوان غنی‌ترین منبع و پشتوانه فرهنگی شاعران مسلمان تأثیر زیادی - به نسبت سایر ادیان - در آثار ادبی پیروان خویش داشته و حتی ادیبان و شاعران غیر مسلمان نیز همدلانه یا خصمانه به آموزه‌های اسلامی، شخصیت‌های مسلمان و نصوص دینی، خصوصاً قرآن و متون حدیثی توجه نشان داده‌اند. در واقع قرآن به عنوان میثاق الهی همه مسلمانان جهان بیشترین تأثیر را در شعر شاعران سرزمین‌های اسلامی، با هر میزان از دل‌بستگی به این معجزه ادبی و معنوی شگفت‌انگیز داشته است. اثرپذیری از قرآن و حدیث در ادبیات کلاسیک و شعر کهن فارسی بارها از سوی پژوهشگران مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته؛ اما اشکال تأثیرپذیری شعر معاصر، بویژه شعر پیش از انقلاب اسلامی از قرآن کریم تا حد زیادی مغفول مانده است لذا این پژوهش کوشیده است جلوه‌های اثرپذیری شعر معاصر ایران از قرآن کریم را بررسی و تحلیل نماید.

پیشینه و روش پژوهش

با وجود اینکه تاکنون پژوهش مستقل روشمند و با رعایت اصول علمی که جلوه‌های اثرپذیری قرآن و حدیث در مجموعه شعر معاصر فارسی را به صورت مستقل بررسی کرده باشد، با جستجو در پایگاه‌های اینترنتی نمایه‌سازی آثار پژوهشی به دست نمی‌آید، موارد زیر به عنوان پیشینه پژوهش پیش رو قابل ذکر است:

- روشن‌زاده، مهرداد. (۱۳۹۶). مطالعه مورد پژوهانه، تأثیر قرآن در ادبیات پارسی «اشعار ریاضی یزدی»، مجله علمی - ترویجی پویا در آموزش علوم انسانی، ش ۶، صص ۱۲-۲۱.

- کیانی، رضا و دیگران. (۱۳۹۲). جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور؛ مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبی و قرآنی، ش ۲، صص ۲-۱۸.

خاطرنشان می‌گردد دو کتاب تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی از علی اصغر حلبی و تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از سید محمد راستگو، قریب به دو دهه قبل به صورت عام به این موضوع پرداخته‌اند و کتاب اخیر ملهم روش تحقیق در پژوهش پیش رو بوده است؛ اما هیچ یک از دو اثر فوق به شعر معاصر اختصاص نداشته‌اند. بر این اساس مقاله پیش رو، گزارشی از یک پژوهش نظری است که با بهره‌گیری از منابع و اسناد مکتوب و آثار منتشر شده شاعران هم‌روزگار ما، موضوع جلوه‌های اثرپذیری شعر معاصر ایران از قرآن و حدیث را با روش توصیفی-تحلیلی بررسی و تحلیل کرده است.

تعریف مفاهیم اصلی تحقیق

بسیاری از پژوهشگران عقیده دارند که دیوان حافظ و مثنوی مولوی از منظر لفظ، معنا و ساختار از کتاب الهی و احادیث مأثور بزرگان دین بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند. (راستگو، ۱۳۷۶: ۴ و ۵) مثنوی به تصریح خالق آن در مقدمه عربی این کتاب و اقرار اهل فن لب لب قرآن است و شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است که از دولت قرآن پدید آمده است. دیگر آثار ادبی خلق شده در ساحت سنت و دوره کلاسیک شعر فارسی نیز به نسبت برخوردار از مایه‌های قرآنی و حدیثی بوده‌اند؛ اما پرسش این‌جاست که شعر معاصر فارسی (از مشروطیت تا امروز) که طی چندین مرحله دچار دگردیسی و اصطلاحاً مدرن شده است نیز همچنان از مایه‌های قرآنی و حدیثی برخوردار است و اگر چنین است اشکال و جلوه‌های آن چگونه است؟ با این توضیح دامنه‌ی شعر معاصر در این پژوهش آثار نسل‌های مختلف شاعران ایرانی از سراسر دوره‌ی پس از مشروطه، خصوصاً دوره‌ی پهلوی اول و دوم و پس از انقلاب اسلامی را دربر می‌گیرد.

مراد از جلوه‌های اثرپذیری نیز گذشته از مفاهیمی که در بلاغت سنتی با اصطلاحاتی همچون تلمیح و تضمین و حل و درج و ... تبیین می‌شد بیشتر، رویکردهای نو و دسته‌بندی‌هایی است که پژوهشگران متأخر از این مقولات به دست داده‌اند که بر مبنای آن در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اثرپذیری از قرآن و حدیث را به دو نوع اثرپذیری آشکار و اثرپذیری پنهان تقسیم کرد و با رویکردی موسع‌تر، انواع اثرپذیری از قرآن و حدیث در شعر پارسی را می‌توان در

یازده بخش طبقه‌بندی نمود که عبارتند از: اثرپذیری‌های واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی-بنیادی، تلمیحی، تأویلی، تطبیقی، تصویری، ساختاری-سبکی، شیوه‌ای و چندسویه. در این میان هریک از طبقات یادشده را نیز می‌توان به اجزاء خردتری تقسیم نمود؛ مانند اثرپذیری واژگانی که خود به سه نوع: وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی؛ اثرپذیری گزاره‌ای که به دو قسم تحلیل و تضمین و اثرپذیری گزارشی که به دو گونه‌ی تفسیر و ترجمه تقسیم شده است. (راستگو، ۱۳۷۶) بر اساس این تقسیم‌بندی در ادامه جلوه‌های تأثیرپذیری شعر معاصر از قرآن و حدیث به تفکیک و با ذکر نمونه تحلیل می‌گردد.

بررسی جلوه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث در شعر معاصر

اثرپذیری واژگانی

« در این شیوه اثرپذیری، شاعر واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند این نوع اثرپذیری خود به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی تقسیم می‌شود.» (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۶)

الف) وام‌گیری

در این شیوه، واژه یا ترکیبی قرآنی یا حدیثی با همان ساختار عربی، یا با اندک دگرگونی لفظی بدون لطمه به ساختار عربی آن به زبان و ادب فارسی راه می‌یابد؛ به عنوان مثال:

آنجا که بانگ ارجعی در آن بلند است

آنجا که انسان فارغ از هر چون و چند است ... (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۶۲)

واژه "ارجعی" واژه‌ای قرآنی است که در "آیه ۲۸ سوره مبارکه فجر" آمده است:

« اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً »

(به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.)

مثالی دیگر برای این شیوه:

بشنو ز نای قرآن آوای لا تخف را

نقشی است نقش دشمن بر آب ای برادر (باقری، ۱۳۶۵: ۱۶)

واژه "لا تخف"، نیز واژه‌ای قرآنی است که در سوره‌های متعدد آمده است و ما برای نمونه "آیه ۱۰ سوره مبارکه نمل" را ذکر می‌کنیم: « وَاللّٰقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَاَهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي مُدَبِّرًا لَّمْ يَعْقِبْ يَا مُوسَىٰ لَأَخَافُ لَدَىٰ الْمُرْسَلُونَ »

(و عصایت را بیفکن! هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد - ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند.)

ب) ترجمه:

در این شیوه، شاعر از برگردان فارسی واژه یا ترکیبی قرآنی یا حدیثی بهره می‌برد. به عنوان نمونه:

گرچه بخشید گناه پدرم آدم را

به گناهان نابخشیده قسم دلتنگم (نظری، ۱۳۹۵: ۲۳)

واژه "جَنَاح"، که بارها در سور متعدد تکرار شده در حقیقت معرب کلمه "گناه" است که پیش از اسلام به زبان عربی راه یافته است و ما به عنوان مثال "آیه ۹۳ سوره مبارکه مائده" را ذکر می‌کنیم:

« لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ »

(بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند گناهی در آنچه [قبلاً] خورده‌اند نیست در صورتی که تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند آن‌گاه تقوا پیشه کنند و احسان نمایند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.)
نمونه‌ای دیگر:

شب قدری که در آن روح خدا کرد نزول

کار صد حادثه با سلم و سلام آخر شد (طهماسبی، ۱۳۸۷: ۲۶۷)

"شب قدر" فارسی شده ترکیب "لیلہ القدر" است که در سه آیه آغازین سوره مبارکه قدر آمده است:
« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ »
(ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.)

ج) برآیندسازی:

در این شیوه، واژه یا ترکیب مذکور، برآیند یا فرآورده‌ای از یک آیه یا حدیث است مانند:

با طناب اشک‌هایم آدمم دستم بگیر

ای عصای دست موسی من که ساحر نیستم (حیدری‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۸)

ترکیب "عصای دست موسی"، برآیندی از آیات متعدد قرآن است که در آن به این معجزه عظیم اشاره شده است که برای نمونه "آیه ۴۵ سوره مبارکه شعراء" ذکر می‌گردد:

« فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ »

(سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آن‌ها را بلعید.)

مثال دیگر:

ای کاش مسیح نفست روح بریزد

در کالبد منجمد مرثیه‌خوان‌ها (کاکایی، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

ترکیب "مسیح نفس" برآیند آیه‌ای است که در آن‌ها به دم روح‌بخش حضرت عیسی (ع) اشاره شده است که ما به

عنوان مثال "آیه ۱۱۰ سوره مبارکه مائده" را ذکر می‌کنیم:

« إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتَبْرِئُ الْأَكْمَامَ وَاللَّابِرِصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ »

[یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آن‌گاه که تو را به

روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آن‌گاه که تو را کتاب

و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آن‌گاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی پس در آن

می‌دمیدی و به اذن من پرنده‌ای می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی و آن‌گاه که مردگان را به اذن

من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی و آن‌گاه که [آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجّت‌های آشکار آورده

بودی از تو باز داشتم پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.)

اثرپذیری گزاره‌ای:

مقصود از گزاره در اینجا جملات ناقص و کامل است و این شیوه خود به دو بخش اقتباس و حل تقسیم می‌شود:

الف) اقتباس و تضمین:

در این روش شاعر عبارتی قرآنی یا روایی را بدون هیچ گونه تغییر در ساختار عربی یا با اندکی تغییر و با اغراض و

مقاصد گوناگون؛ همچون تیمن، تعلیل، استشهاد، هنرنمایی و ... به کار می‌برد مانند:

فاتح بدر و احد می‌رسد از راه، علی

مرد همواره تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، علی (برقی، ۱۳۹۶: ۵۹)

عبارت "تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ"، در "آیه ۵۶ سوره مبارکه هود" آمده است:

«إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

(در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او مهار هستی‌اش را در دست دارد به راستی پروردگار من بر راه راست است.)

مثال دیگر:

عشق یعنی قاف و لام قل هو الله احد

عشق یعنی بای بسم الله رحمان الرحيم (قزوه، ۱۳۹۱: ۳۸)

چنانچه مشهور است شاعر عبارت "قل هو الله احد" را بی هیچ تغییر و نیز جمله "بسم الله الرحمن الرحيم" را با تغییری بسیار اندک در بیت فوق به کار برده است.

(ب) حل:

در این شیوه، شاعر برای بهره‌گیری از قرآن و حدیث به دلایل مختلف؛ از قبیل تنگنای وزن و قافیه و ... تغییراتی در عبارات آن ایجاد می‌کند به عنوان مثال:

کاش در تقدیر ما باشد همه شب‌های قدر

کاش حوّل حالنایی تر شود احوال ما (قزوه، ۱۳۹۱: ۹۰)

بیت فوق ما را به دعای زیبای تحویل سال رهنمون می‌شود:

«يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»

(ای تغییر دهنده دل‌ها و دیده‌ها * ای مدبر شب و روز * ای گرداننده سال و حالت‌ها * حال ما را نیکوترین حال

بگردان.) (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۲۸)

مثالی دیگر برای این شیوه:

آن جا که او نادی فَادْخُلْ فِي عِبَادِي است

آن جا که وَاَدْخُلْ جَنَّتِي را او منادی است (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۶۲)

هنرمایی شاعر در این بیت که به "آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مبارکه فجر" تلمیح دارد کاملاً مشهود است.

«فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»

(در سلک بندگانم در آی)

«وَاَدْخُلِي جَنَّتِي»

(و در بهشتم وارد شو)

اثرپذیری گزارشی:

در این روش مضمون آیه یا حدیث از طریق ترجمه یا تفسیر به فارسی گزارش می‌شود که گاه به شیوه نقل قول بیان می‌گردد.

(الف) ترجمه:

ترجمه آیه یا حدیث به فارسی گاه به شیوه تحت اللفظی و گاه آزاد است.

ترجمه تحت اللفظی:

در این شیوه، گزاره‌ای قرآنی یا حدیثی بدون تغییر در معنی و مضمون و بدون کاهش یا افزایش در زبان فارسی راه می‌یابد. شرک موری بود بر سنگ سیاهی در شبی

چشم‌های ما فقط رنج تماشا می‌کشد (نظری، ۱۳۹۵: ۶۳)

بیت فوق ترجمه‌ای آشکار از این حدیث امام حسن عسکری (ع) است:
« إِنَّ الْأَشْرَاقَ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلَمَةِ » (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۰، ۳۵۹)
(شُرک در میان مردم از جنبش مورچه بر روپوش سیاه در شب تار نهران تر است.)
نمونه‌ای دیگر:

خدا هفت آسمان باز را ساخت

ولی مردم قفس را آفریدند (امین پور، ۱۳۸۸: ۸)

مصراع اول ترجمه‌ای بسته است که به آفرینش آسمان‌های هفتگانه که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده، تلمیح دارد. برای نمونه "آیه ۱۲ سوره مبارکه طلاق" ذکر می‌شود:

« اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا »

(خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن‌ها هفت زمین آفرید فرمان [خدا] در میان آن‌ها فرود می‌آید تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است.)
ترجمه آزاد:

در این روش به ضرورت وزن و قافیه و یا ... کاهش یا افزایشی در معنی و مضمون آیه یا حدیث راه می‌یابد و ساختار کلام تغییر می‌کند.

سوگند می‌خورم که نبی شهر علم بود

شهری که جز علی در دیگر نداشته‌است (برقی، ۱۳۸۷: ۳۹)

بیت فوق به حدیث نبوی « أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيُّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ » تلمیح دارد. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ص ۲۳۳)

(من شهر دانشم و علی در آن است پس هر کس می‌خواهد به دانش دست یابد، باید از در آن وارد شود.)
خدا ابتدا آب را

سپس زندگی را از آب آفرید

جهان نقش بر آب

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir (امین پور، ۱۳۸۷: ۷۳)

و آن آب بر باد (امین پور، ۱۳۸۷: ۷۳)

آن‌گونه که از مفهوم شعر هویدا است، "آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء" مد نظر شاعر است:
« أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ »
(آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند.)
تفسیر:

در این روش شاعر مضمون آیه یا حدیثی را شرح و بسط می‌دهد مانند:

گفت در ابتدای نیشابور

عشق اگر در شما وسیله شود

قلعه لا اله الا الله

بهترین مسکن قبیله شود

دل اگر قلعه را نمی‌بیند

علتش دیدن قصور شماس

هر کسی واردش نخواهد شد

عشق ما کوچۀ عبور شماسست (حیدری زاده، ۱۳۹۱: ۷۴)

هنرنمایی شاعر در شرح و گسترش "حدیث قدسی سلسله الذهب" که بیانگر عشق و محبت وی به ساحت مقدس اهل بیت و مخصوصاً امام رضا (ع) است، قابل تحسین و چشم‌نواز است.

« کَلِمَةُ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا » (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ ق: ج ۲، ص ۱۳۵)

(کَلِمَةُ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ یعنی هیچ معبودی بجز الله نیست) دژ و حصار من (خدا) است پس هر کس به دژ و حصار من داخل شود از عذاب من امنیت خواهد یافت، و این شروطنی دارد و من (علی بن موسی الرضا) یکی از آن شرطها هستم.

بکوب ای دل! که غفّار است یارم

من از کوبیدن در شرم دارم

بکوب ای دل! که معبودم کریم است

مرا از در زدن هر چند بیم است

بکوب ای دل! مشو نومید از این در

بکوب ای دل هزاران بار دیگر (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۴۰)

« بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ وَ مَنْ يُدْمِنُ قَرَعَ الْبَابَ يَلِجُ » (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۸، ۹۶)

(با صبر، انتظار گشایش می‌رود و کسی که پیوسته دری را بکوبد، عاقبت آن در به رویش باز می‌شود.)

اثرپذیری الهامی - بنیادی:

در این روش شاعر با الهام از آیه یا حدیثی سخن خویش را می‌پرورد و شباهت بسیار با شیوه ترجمه در اثرپذیری گزارشی دارد و گاه دریافت حدیث و آیه آسان و گاهی سخت و دیریاب است.

معنی نزدیک:

اراده‌ای است به گمراهی و هدایت ما

کدام معبد و مسجد، کدام دیر و کنشت (فاضل، ۱۳۹۵: ۸۷)

بیت مذکور الهامی آشکار به "آیه ۹۳ سوره مبارکه" نحل دارد:

« وَكَلَّمَ اللَّهُ لَجْعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ »

« و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد ولی هر که را بخواهد گمراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد.»

من از مرگی سخن گفتم که پیش از مرگ می‌آید

به آه عشق کاری برتر از اعجاز عیسی کن (فاضل، ۱۳۹۵: ۹۷)

بیت فوق الهامی آشکار از حدیث ارزشمند پیامبر اکرم (ص) است که در آن به مرگ اختیاری که همانا دوری از تعلقات مادی و نفسانی است، اشاره شده است:

« مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا » (الوافی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۴۱)

(بمیرید پیش از آنکه بمیرید.)

معنی دور:

تمام شاعران اهل دروغ اند

مگر آن‌ها که از جنس فروغ اند (محمودی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

در این بیت که ترجمه‌ای نوین و دور از دسترس از "آیات ۲۲۴ الی ۲۲۶ سوره مبارکه شعراء" است دستیابی به مفهوم آیه تا حدی دشوار می‌نماید.

« وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ »
 « أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ »
 « وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ »

« و شاعران را گمراهان پیروی می کنند»

« آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند»

« و آنانند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند»

ضمناً ایهام زیبایی که شاعر در آن به کار برده و از صداقت و سادگی فروغ فرخزاد یاد کرده، ستودنی است.

دوستی در پیرهن دارم که با من دشمن است

اعتماد از من برای من رقیبی ساخته است (نظری، ۱۳۹۵: ۱۹)

بیت مذکور پیوندی پنهان با این حدیث گرانمایه پیامبر (ص) دارد: « أَعْدَا عَدُوِّكَ نَفْسُكَ أَلْتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ » (حلی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۴)

(دشمن‌ترین دشمن تو وجود این نفس بین دو پهلوئی توست.)

اثرپذیری تلمیحی:

در این شیوه شاعر با الهام از یک آیه یا حدیث پایه‌های کلام خود را پی‌ریزی می‌کند ولی برای دستیابی آسان به مفهوم مورد نظر خویش نشانه‌ای در کلام می‌گنجاند.

خنده‌هایت باغ زیبای بهشت

حق بهشتش را به پای تو نوشت (باقری، ۱۳۷۸: ۳۵)

شاعر با آوردن واژه‌های "بهشت" و "پا" ما را به حدیث ارزشمند زیر از پیامبر (ص) که دربارهٔ مقام والای مادر است رهنمون می‌شود:

« أَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ » (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۸۰)

(بهشت زیر پای مادران است.)

تنها گناه ما طمع بخشش تو بود

ما را کرامت تو گنه‌کار کرده است (نظری، ۱۳۹۵: ۸۵)

واژه "طمع" و "کرامت" که در این بیت آمده بیانگر تلمیح به "آیه ۶ سوره مبارکه انفطار" است:

« يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ »

(ای انسان چه چیز تو را در بارهٔ پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟)

اثرپذیری تأویلی:

در این شیوه شاعر می‌کوشد تا با باریک‌بینی و ژرف‌نگری، معنایی نو و تفسیری جدید از یک آیه و حدیث بیان کند.

بیهوده نیست روی زمینم نهاده‌اند

بارم که روی شانهٔ عالم زیادی‌ام (نظری، ۱۳۹۷: ۲۱)

شاعر خود را همان بار عظیمی می‌داند که سنگینی آن را عالم برنمی‌تابد و به همین دلیل آن را بر دوش زمین نهاده‌اند.

بیت به "آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب" تلمیح دارد.

« إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا »

(ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن

هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود.)

جهان که تو را دید

در هجوم بی‌امان تیر و تیغ

دانست چه بود

راز اعتراض ملائک (شکارسری، ۱۳۷۸: ۱۹)

در شعر مذکور نیز شاعر، ماجرای عظیم و دردناک عاشورا را سبب اعتراض نخستین ملائک به آفرینش آدم می‌داند که در "آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره" به آن اشاره شده است.

« وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ »

(و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.)

اثرپذیری تطبیقی:

در این شیوه، شاعر با نکته‌پردازی و ذوق خاص خود بین دو چیز پیوند ایجاد می‌کند و یکی را بر دیگری تطبیق می‌دهد نظیر پیوندهای تشبیهی و تمثیلی که میان دو چیز برقرار می‌شود به همین دلیل با اثرپذیری تصویری یکسان و همانند است و هر دو را می‌توان یکی دانست.

میان خاک کلام خدا مقطعه شد

میان خاک، الف، لام، میم، طا، ها، سر (برقی، ۱۳۹۶: ۴۸)

شاعر امام حسین را کلمه الله می‌داند و پیکر مطهر و قطعه قطعه‌اش را به کلمات مقطعه قرآن تشبیه کرده و بر آن تطبیق داده است که این کلمات در ابتدای چند سوره از قرآن مثل: بقره، آل عمران، طه، یس، مریم و ... آمده است.

شبهه بار امانت که بار سنگینی است

سر تو بار گرانی است مانده بر دوشم (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۷۵)

در این بیت شاعر سر دوست و محبوب خود را چون بار امانتی که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها تاب تحملش را نداشتند و از پذیرفتنش سر باز زدند، می‌داند که بر دوشش نهاده‌اند و بر آن سنگینی می‌کند.

این آیه پیش‌تر در اثرپذیری تأویلی ذکر گردیده است.

اثرپذیری تصویری: ۱۳۹۹

در این شیوه شاعر تصاویر شعری خود را از قرآن و حدیث وام می‌گیرد و کلام خود را به صور مختلف خیال می‌آراید مثل:

ازدهای فقر هر سو می‌وزید

کفر در باروی ایمان می‌خزید (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۲۸)

شاعر فقر را همچون ازدهایی هراس‌انگیز می‌داند که خانه دل آدمی را به سوی کفر و تباهی می‌کشاند و به حدیث زیر از پیامبر (ص) تلمیح دارد:

« كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا » (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۳۰۷)

(نزدیک است که فقر به کفر انجامد.)

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که فقر در کلام پیامبر نه فقر مادی که فقر معنوی است چرا که افراد بسیاری در تمام دوران‌ها هستند که در عین تهی‌دستی و فقر دلی مالا مال از ایمان و عشق به خدا دارند.

سر تا به پا خلیل گلستان نشین شدم

هر جا که در عزای شما آتشم زدند (برقی، ۱۳۸۷: ۲۵)

در بیت زیر نیز شاعر با بهره‌گیری از آرایه تشبیه با تلمیح به "آیه ۶۹ سوره مبارکه انبیاء"، خود را مانند حضرت ابراهیم (ع) می‌داند که آتش سوزان نمرود برایش چون گلستان سرد و لذت‌بخش شد.

« قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ »
(گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.)

اثرپذیری ساختاری و سبکی:

در این روش، شاعر ساختاری قرآنی یا حدیثی را به عنوان نمونه در نظر می‌گیرد و کلام خود را به آن سبک و سیاق آذین می‌بندد به گونه‌ای که خواننده پیوندی عمیق بین کلام او و آیات قرآن یا حدیث احساس می‌کند مثال زیر مصداقی برای این شیوه است:

«سوره تماشا»

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن

واژه‌ای در قفس است

حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود

من به آنان گفتم

آفتابی لب درگاه شماست

که اگر در بگشایید به رفتار شما می‌تابد

و به آنان گفتم

سنگ آرایش کوهستان نیست

همچنانی که فلز، زیوری نیست به اندام کلنگ

در کف دست زمین گوهر ناپیدایی است

که رسولان همه از تابش آن خیره شدند

پی گوهر باشید

لحظه‌ها را به چراگاه رسالت ببرید

و من آنان را، به صدای قدم پیک بشارت دادم

و به نزدیکی روز، و به افزایش رنگ

به طنین گل سرخ، پشت پرچین سخن‌های درشت

و به آنان گفتم

هر که در حافظه چوب ببیند باغی

صورتش در وزش بیشه شور ابدی خواهد ماند

هر که با مرغ هوا دوست شود

خوابش آرام‌ترین خواب جهان خواهد بود

آن که نور از سر انگشت زمان برچیند

می‌گشاید گره پنجره‌ها را با آه

زیر بیدی بودیم

برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم:

چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می‌خواهید؟

می‌شنیدم که به هم می‌گفتند

سحر می‌داند، سحر!



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

دانشگاه تربیت مدرس

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

سر هر کوه رسولی دیدند
ابر انکار به دوش آوردند
باد را نازل کردیم
تا کلاه از سرشان بردارد
خانه‌هاشان پر داوودی بود
چشمشان را بستیم
دستشان را نرساندیم به سر شاخه هوش
جییشان را پر عادت کردیم

خوابشان را به صدای سفر آینه‌ها آشفتم (سپهری، ۱۳۷۰: ۳۷۳-۳۷۵)

این شعر نیز با الهام از سبک و ساختار قرآن ماجرای آفرینش آدم و حوا و فریب آن دو توسط شیطان را به تصویر می‌کشد که درسوره‌های بقره و اعراف به آن اشاره شده است.

شعر «آشکارسازترین‌های برای آدم»

تا ستاید آفریدگار این شکوه بی‌نظیر و آفرینش عظیم را
کسی نبود یا کسی ادب نداشت

در چنین قرارگاه سبز و خلوت هزار بیشه
یک فرشته لب نداشت

بس که خودسرانه در علاج‌گونه‌ای از عطش
دم به دم به هر بهانه با لبان عاشقی مکیده می‌شدند

یک درخت توبه‌دار سیب هم

در سه کنج این بهشت

بر زمین نشسته بود

با هزار سیب زردروی و لاله فام

مثل سیب‌های عاشق دو رنگ

لا به لایشان سیب‌های نارسیده زمرّدین، لطف‌های کال و ناتمام

دیو هم در آن میانه

چون که هیچ آفریده‌ای پری نبود

آشکارساز سرشکسته بود

آدم بزرگ هم

یعنی آن پدربزرگ نازنین ما

در سراسر بهشت

آس و پاس بود و می‌کشید هر طرف سرک

هر کجا که بود یک ترک

دست او پیش‌تر دویده بود و دیده بود و

چشم او درون آن پریده بود

در سراسر بهشت

یک فرشته نیز

از گزند آدم بزرگ، در امان نبود



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



انجمن جهانی ادبیات فارسی

انجمن جهانی ادبیات فارسی

پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanjafarsi.ir

بس که در هوای جستجوی چیز تازه‌ای که بود یا نبود
صد هزار بار روی بال این پرنده‌های نازدار
پا نهاده بود
باری آدم بزرگ و همسرش بهشته را
در بهشت و بر بهشت حاکمیتی عجیب بود
آزمون طراز او در این میان فقط
آن درخت توبه‌دار سیب بود ... (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۹)

اثرپذیری شیوه‌ای:

در این گونه اثرپذیری شاعر یکی از شیوه‌های بیانی - بلاغی قرآن یا حدیث را برمی‌گیرد و کلام خود را به آن شیوه می‌آراید. این نوع اثرپذیری، انواع مختلف دارد که در این مجال اندک فرصت بیان تمامی این شیوه‌ها نیست و به شرح یک مورد اکتفا می‌شود.

یکی از شیوه‌های بیانی قرآن، چند گونه‌خوانی است که به سبب اختلاف قرائت‌ها پدید آمده که لطمه‌ای به شیوایی و درستی این کلام والا وارد نمی‌کند. برای نمونه به ذکر دو مورد اشاره می‌شود:

پس از این مگو خیانت به حکایت یهودا

که مسیح نیست آن کس که تو بر صلیب داری (نظری، ۱۳۹۵: ۴۱)

در این جا می‌توان با تصحیف، واژه "جنایت" را به جای "خیانت" گذاشت که البته هرگز آسیبی به شیوایی این بیت وارد نمی‌کند.

بیت به داستان خیانت و در حقیقت جنایت یهودا (حواری خائن مسیح)، که در نهایت منجر به مرگ خود او شد اشاره دارد که در "آیه ۱۵۷ سوره مبارکه نساء" ذکر گردیده است:

« وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا »

(و گفته‌ی ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آن‌که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقیناً او را نکشتند.)

www.arjona.com

مثالی دیگر:

گفت احوالت چطور است؟

گفتمش: عالی است!

مثل حال گل

حال گل در چنگ چنگیز مغول (امین پور، ۱۳۸۷: ۶۹)

این شعر به جنگ خانمان‌سوز مغول اشاره دارد و تلمیحی تاریخی است اما می‌توان بدون ذره‌ای آسیب به کلام با تصحیف واژه "جنگ" را به جای "چنگ" نشاناد.

اثرپذیری چند سویه:

شیوه‌های مختلف اثرپذیری که در این مقاله بیان شده، می‌توانند در یک نمونه و بیت با یکدیگر به کار رفته و جمع شوند به عنوان مثال:

واژه‌ها روی ابابیل لبت سجیل است

دام بگذار که گنجشک تو جبرائیل است (برقی، ۱۳۹۲: ۷۷)

این بیت علاوه بر اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری تصویری، الهامی - بنیادی و تلمیحی نیز دارد. بیت به "آیات ۳ و ۴" سورة مبارکه فیل " تلمیح دارد:

« وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ »

(و بر سر آنها دسته دسته پرندگانی ابابیل فرستاد.)

« تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ »

([که] بر آنان سنگ‌هایی از گل [سخت] می‌افکندند.)

مثالی دیگر:

تا نور تو تابیده به طور کلماتم

موسای تکلم شده‌ام در خودم امشب (امین پور، ۱۳۸۷: ۵۷)

بیت فوق نیز، از اثرپذیری واژگانی، الهامی - بنیادی، تصویری و تلمیحی بهره برده است و به "آیه ۱۶۴" سورة مبارکه نساء " تلمیح دارد:

« وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا »

(و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت.)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم علاوه بر اعجاز لفظی دارای جاذبه‌های باطنی بسیاری است و شاعران ایران زمین از بدو رویش نهال شعر فارسی کوشیده‌اند تا روح شیفته خود را با تلفیق الفاظ شکرین و آیات کریمه به دریایی از معنویت پیوند بزنند و جرعه‌هایی از زلال این جذبه شیرین را به تشنگان بنوشانند. شاعران معاصر نیز با پیروی از سنت دیرینه‌ی ادبی کوشیده‌اند همچون شاعران گذشته از ظرفیت‌های شکلی و محتوایی و روایی قرآن به منظر تقویت جنبه‌های لفظی، معنوی و بلاغی شعر خود استفاده کنند و با آراستن الفاظ و ابیات خویش به آیات الهی و کلام معصومین در قالب آرایه‌هایی؛ همچون تلمیح، حل، عقد و اقتباس و ... به شعر خود جلوه‌ای روحانی و زیبا ببخشند. نتیجه بررسی دفاتر شعری یازده تن از شاعران معاصر در این پژوهش، بیانگر تأثیرپذیری بیش از پیش از قرآن و احادیث معصومین (ع) و روابط بینامتنی شعر پس از انقلاب در اشکال مختلف با نصوص دینی در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌باشد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- امین پور، قیصر؛ (۱۳۸۸)، به قول پرستو؛ چاپ ششم، تهران: نشر افق.
- امین پور، قیصر؛ (۱۳۸۷)، دستور زبان عشق؛ چاپ هشتم، تهران: مروارید.
- امین پور، قیصر؛ (۱۳۸۹)، گزیده اشعار؛ چاپ شانزدهم، تهران: مروارید.
- امین پور، قیصر؛ (۱۳۸۷)، گل‌ها همه آفتابگردانند؛ چاپ دهم، تهران: مروارید.
- باقری، ساعد؛ (۱۳۷۸)، گزیده ادبیات معاصر؛ چاپ اول، تهران: نیستان.
- باقری، ساعد؛ (۱۳۶۵)، نجوای جنون؛ چاپ اول، تهران: انتشارات برگ.
- برقعی، سید حمید رضا؛ (۱۳۹۶)، تحیر؛ چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.
- برقعی، سید حمید رضا؛ (۱۳۹۶)، رقعہ؛ چاپ پنجم، تهران: فصل پنجم.
- برقعی، سید حمید رضا؛ (۱۳۸۷)، طوفان واژه‌ها؛ چاپ پنجم، تهران: فصل پنجم.
- برقعی، سید حمید رضا؛ (۱۳۹۲)، قبله مایل به تو؛ چاپ نهم، تهران: فصل پنجم.
- بیابانکی، سعید؛ (۱۳۹۳)، نامه‌های کوفی؛ چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- حلی، احمد بن فهد؛ (۱۴۰۷ق)، عدّه الدّاعی و نجاح السّاعی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- حیدری زاده، علی؛ (۱۳۹۱)، حضرت آسمان چنین فرمود؛ چاپ اول، رفسنجان: مؤلف.
- حیدری زاده، علی؛ (۱۳۹۱)، خنجر بگو حوالی آن سر چه می کنی؛ چاپ اول، رفسنجان: مؤلف.
- راستگو، سید محمد؛ (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی؛ تهران: سمت.
- سیهری، سهراب؛ (۱۳۷۰)، هشت کتاب؛ چاپ دهم، تهران: طهوری.
- شکارسری، حمیدرضا؛ (۱۳۷۸)، گزیده ادبیات معاصر؛ چاپ اول، تهران: نیستان.
- شیخ صدوق، محمد بن علی؛ (۱۳۷۸ق)، عُیُونُ أَخْبَارِ الرَّضَا؛ تهران: نشر جهان، چاپ اول.
- طهماسبی، قادر؛ (۱۳۸۸)، پری بهانه‌ها؛ چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- طهماسبی، قادر؛ (۱۳۸۸)، پری شدگان؛ چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- طهماسبی، قادر؛ (۱۳۸۷)، ترینه؛ چاپ دوم، تهران: نشر تکا.
- فیض کاشانی، محمد محسن؛ (۱۴۰۶)، کتاب الوافی؛ اصفهان: مکتبه الإمام أمير المؤمنين علی علیه السلام.
- قزوه، علیرضا؛ (۱۳۹۱)، صبح تان به خیر مردم؛ چاپ اول، تهران: کتاب نشر.
- کاکایی، عبدالجبار؛ (۱۳۸۷) با سکوت حرف می‌زنم؛ چاپ اول، تهران: نشر علم.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷ق)، الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار؛ بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۲۳)، زادالمعاد؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- محمودی، سهیل؛ (۱۳۸۱)، می‌خواهم عاشقانه‌تر بخوانم؛ تهران: نقش سیمرغ.
- نظری، فاضل؛ (۱۳۹۵)، آن‌ها؛ چاپ سی و پنجم، تهران: سوره مهر.
- نظری، فاضل؛ (۱۳۹۵)، اقلیت؛ چاپ سی و سوم، تهران: سوره مهر.
- نظری، فاضل؛ (۱۳۹۵)، ضد؛ چاپ بیست و پنجم، تهران: سوره مهر.
- نظری، فاضل؛ (۱۳۹۵)، کتاب؛ چاپ نهم، تهران: سوره مهر.
- نظری، فاضل؛ (۱۳۹۷)، گریه‌های امپراتور؛ چاپ پنجاه و دوم، تهران: سوره مهر.
- نوری، حسین؛ (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیته.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir